

عزیز نسین

خر مُرده

مترجم: صابر حسینی

www.ketab.ir

نشر
تیما

سرشناسه: نسین، عزیز، ۱۹۱۵-۱۹۹۵ م Nesin, Aziz
عنوان و نام پدیدآور: خر مرده/ عزیز نسین؛ مترجم صابر حسینی.
مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۳۴۶-۵
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Ölmüş eşek...
موضوع: داستان‌های طنزآمیز ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰م.
Humorous stories, Turkish -- Turkey -- 20th century
موضوع: داستان‌های کوتاه ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰م
Short stories, Turkish -- Turkey -- 20th century
شناسه‌ی افزوده: حسینی، صابر، ۱۳۵۲، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ خ ۴۵ / ن ۵ / PL ۲۴۸
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۰۸۹۹۴

عزیز نسین
خر مرده
ترجمه: صابر حسینی

ترجمه: صابر حسینی / ویرایش: تحریریه نیماژ
صفحه‌آرا: یاسمین شادری / طراحی جلد: محمد جهانی مقدم
لیتوگرافی: ترنج / چاپ و صحافی: رها
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶ / تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۳۴۶-۵

نشر
نیماژ

فروشگاه مرکزی: خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند جنوبی، نیش بوجه ۴
کتاب‌فروشی فراموشی، تلفن: ۸۸۸۴۲۰۶۰
فروشگاه: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۴۸۵
تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵
دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری،
شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.
اینستاگرام: nimajpublication
Site: www.nimaj.ir Email: nashr.nimajh@gmail.com
۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

یادداشت مترجم

محمد نصرت نسین مع ترجمه عزیز نسین شاعر، نویسنده و مترجم، سال ۱۹۱۵ در استانبول به دنیا آمد. به پدرش عبدالعزیز افندی، از روستایی از توابع شهر گیرسون، به شهر استانبول مهاجرت کرد و آنجا به شغل باغبانی مشغول بود. عزیز نسین، پس از طی دوران ابتدایی سال ۱۹۳۵ وارد مدرسه‌ی نظامی کوله‌لی شد و از سال ۱۹۳۷ تحصیل را در رشته‌ی جنگ آنکارا تا درجه‌ی ستوانی ادامه داد. آن دوران، در کنار اندوخته‌های نظامی‌اش، تحصیل در رشته‌ی هنرهای تزئینی دانشکده‌ی هنرهای زیبا ادامه داد. در یکی از محاضراتش از تأثیر این رشته در زندگی ادبی‌اش سخن گفته است.

بعد از به پایان رساندن مدرسه‌ی نظامی، طی جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۰ در سپاه مستقر در منطقه‌ی تراکیه انجام وظیفه کرد. سال ۱۹۴۲ به لشکر اروپا منتقل یافت و در اثر انفجار بمب مجروح شد. سال ۱۹۴۴ در کلاس‌های آکادمی استفاده از تانک که در مدرسه‌ی نظامی برپا شده بود شرکت کرد. همان سال‌ها با اتهام سوء استفاده از مقام و درجه‌ی ارتشی‌اش، از ارتش اخراج شد. بعد از آن، به کارهای مختلفی از جمله بقالی و حسابداری پرداخت، اما سرانجام، سال ۱۹۴۵ به استخدام مجله‌ی «هفت روز» درآمد که سادات سیمای آن را منتشر می‌کرد. همان سال‌ها به نمایش‌نامه‌نویسی روی آورد و از سوی دیگر به ستون‌نویسی در

روزنامه‌ی «تان» پرداخت.

سال ۱۹۴۶ با فردی به نام صباح‌الدین علی روزنامه‌ی طنزی به نام «مارکو پاشا» منتشر کرد که جنجال بسیاری به راه انداخت. سال ۱۹۵۰ در محله‌ی لونت مغازه‌ای اجاره کرد و یک کتاب‌فروشی به راه انداخت. چون این کار کفاف مخارج زندگی‌اش را نمی‌داد، سال ۱۹۵۳ در منطقه‌ی بی‌اوغلو آتلیه‌ی عکاسی باز کرد. سال ۱۹۵۴ شروع به نوشتن داستان‌هایی با نام مستعار کرد. اولین کتابش سال ۱۹۱۰ به نام «تأسیس حزب و تخریب حزب» در شانزده صفحه منتشر شد.

سال ۱۹۵۷ همراه با کمال ظاهر انتشارات «بیندیش» را به راه انداخت. از طرف دیگر به ستون‌نویسی در روزنامه‌های «تان» و «آکشم» پرداخت. همان سال در مسابقه‌ی داستان‌نویزی که در ایتالیا برگزار شد و بیست‌ودو کشور در آن حضور داشتند، شرکت کرد و برانست. با داستان «حمدی فیله» جایزه نخل طلایی را از آن خود کند. این داستان هم راه به داستان دیگر با نام «حمدی فیله» در ترکیه به چاپ رسید. سال ۱۹۶۶ با دو داستان «بوجه تیغی طلایی» و «وظیفه‌ی ملی» در مسابقه‌ی داستان‌نویزی که در بلغارستان برگزار می‌شد، شرکت کرد و نفر اول شد.

سال ۱۹۷۲ با پیشنهاد همسر دومش، «الین»، مؤسسه‌ی خیریه‌ی نسین را به راه انداخت. در این مؤسسه، نیازهای کودکان سرپرست و فقیر برآورده می‌شد. سال ۱۹۷۷ به عنوان رئیس کانون نویسندگان ترکیه انتخاب شد. و سال‌ها در این سمت باقی ماند. در فاصله‌ی این سال‌ها داستان‌ها و رمان‌های بسیار، نوشت که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: دیو و دایه (۱۹۵۶)، پنجمه (۱۹۵۶)، صندلی (۱۹۵۷)، محمود و نگار (۱۹۵۹)، آه ما خرها (۱۹۶۰)، پنجمه (۱۹۷۸) و رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و بلند بسیاری که در این مقال جای سخن گفتن از آن‌ها نیست.

سال ۱۹۸۲ در همایش اتحادیه‌ی نویسندگان آسیا-آفریقا که در ویتنام برگزار شد، شرکت کرد و در راه بازگشت در مسکو به خاطر بیماری قلبی در بیمارستان

بستری شد. سال ۱۹۸۳ به همایشی که قرار بود در دانشگاه ایندیانا ایالات متحده‌ی امریکا برگزار شود دعوت شد اما چون حاکمان نظامی - که با کودتا بر مسند قدرت نشسته بودند - پاسپورتش را ضبط کردند، نتوانست در این همایش شرکت کند.

دوم: ونیه‌ی سال ۱۹۹۳ عزیز نسین برای شرکت در گردهمایی «پیر سلطان ابدال» که در سیواس برگزار می‌شد، به آن شهر رفت و همراه با مهمانان دیگر در هتل مایماک این شهر اقامت گزید. مخالفان این گردهمایی که گفته می‌شد از طرف تندروها، مذهب سازمانده‌ی شده بودند، هتلی را که عزیز نسین و دیگر مدعوین گردهمایی در آنجا اقامت داشتند به آتش کشیدند. سی‌وهفت نفر در این حادثه کشته شدند. عزیز نسین توانست از این آتش‌سوزی جان سالم به در ببرد.

سال ۱۹۹۵، در هفتاد و سه سالگی، مرگامی که برای جشن امضا و سخنرانی به شهر آلاچاتا از توابع از میر رفته بود، در مرگامی تلبی درگذشت. این نویسنده‌ی بزرگ وصیت کرده بود که بعد از مرگش، در آرن هیچ تشریفاتی و بدون مشخص شدن مکان دفنش در منطقه‌ی چاتال‌جای استازول، در زمین وقفی خانواده‌ی نسین دفن کنند.

عزیز نسین در یکی از مصاحبه‌های خود با مجله‌ی هنرین رونامه‌ی ملیت درباره‌ی نوشته‌ی طنز گفته است: «چیزی که مرا به نوشتن واداشت، شرایط زمان بود. به‌صورت خلاصه می‌توانم بگویم در کل طنز فریاد پر از خشمی است که از گلوی فقر و محرومیت بیرون می‌ریزد. البته باید بگویم هر کسی که سخت‌دیده، الزاماً نمی‌تواند طنزنویس شود، اما شرایط ناگوار می‌تواند قریحه‌ی طنز را در فرد

۱. (۸۷۹-۹۴۹ خورشیدی) یکی از چکامه‌سرایان معروف علوی مذهب ترک است. چکامه‌های او در مخالفت با حاکمان عثمانی و طرفداری از حقوق مردم عادی است.

شکوفای کند...»

عزیز نسین را در ایران با کتاب‌هایی که مترجمانی همچون رضا همراه، ثمین باغچه‌بان و صمد بهرنگی ترجمه کرده‌اند کم‌وبیش می‌شناسیم. طنزهای اجتماعی و سیاسی او حاکمان و مردمانی را که چنین حاکمانی را شایسته‌ی خود می‌دانند بی‌پروا مورد هدف قرار می‌دهد. درشت‌نمایی‌ها و گاه اغراق در ایجاد تصاویری بی‌روایی از اتفاقاتی که در حال وقوع است، به نویسنده کمک می‌کند تا حقایق تلخ سایه افکننده بر جامعه را بی‌پرده به زبان بیاورد. آثار او بعد از نویسندگانی همچون اور، ان سوک و یاشار کمال، جزو پرفروش‌ترین آثار ادبیات ترکیه در جهان محسوب می‌شود و به بیش از سی زبان ترجمه شده‌اند. امیدوارم این کتاب مورد توجه خوانندگان گرامی قرار بگیرد.

با مهر
صابر حسینی

www.ketab.ir